

قسمت اول

# مبانی رهبری در اسلام

حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

## پیشگفتار

تردیدی نیست که امامت و رهبری ضامن تحقق و نداوم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و آرمانهای ولای این آئین الهی است و از این دید مسأله امامت اساسی ترین اصول اعتقادی، سیاسی و اجتماعی اسلام و رمز حیات جوامع اسلامی محسوب می گردد.

فرهنا است که امت اسلام از این رمز حیات غافلند، این غفلت رشد و بالندگی و مجد و عظمت را از جوامع اسلامی سلب کرد و راه سلطه یگانگان را بر مسلمین هموار نمود و از اسلام جز تصویری باقی نگذاشت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسلمین را هشدار کرد و آنها را با علة العلیل انحراف کشورهای اسلامی آشنا نمود، اکنون هر مسلمان آگاه منصف، تابع هر مذهبی باشد، خوب می داند، تنها راه تحقق اسلام واقعی و آرمانهای اسلامی و کوتاه کردن دست اجانب از ممالک اسلامی، پیاده شدن اصل امامت امام حق است.

در این مقطع از تاریخ اسلام و در شرایط کنونی، آشنایی با مبانی امامت و رهبری در اسلام، ضروری ترین مسأله برای همه علاقمندان به این آئین آسمانی در سراسر جهان است و نوشتار که در برابر شما است تلاشی است در این راه.

لازم به تذکر است که این مجموعه تحت عنوان درسهایی از اصول عقاید اسلامی توسط مؤلف از طریق شبکه دوّم سیما جمهوری اسلامی ایران تدریس شده است که اکنون پس از بازنگری به شکل حاضر منتشر می گردد.

## تعریف امامت

کلمه امام می تواند از ریشه «امام: جلو» یا «أم: اصل» و یا «أم: قصد و آهنگ» باشد.

در صورت اول امام به معنای پیشرو و پیشوا، در صورت دوّم به معنای اصل و اساس جامعه و در صورت سوّم به معنای کسی که جمعیتی آهنگ

پیروی او را دارند، ترجمه و تفسیر می شود.

در «مفردات القرآن» کلمه امام این طور معنا شده است: «امام عبارت است از چیزی که پیروی شود، تفاوتی ندارد که آن چیزی، انسان باشد یا شیء و یا چیزی دیگر، و نیز تفاوت نمی کند آنچه مورد پیروی است باشد یا باطل».

همانطور که ملاحظه می کنید هیچ یک از این کلمات: «امام، امامت و ائمت» مفهوم مقدّسی ندارند، امام کسی است که اقتی را امامت کند و رهبری جماعتی که از او پیروی می کنند را بعهدہ گیرد اعم از اینکه حق عادل و راه یافته و امامتش حق باشد. یا گمراه و امامتش ناحق و باطل. بنابراین امامت مانند توحید و نبوت ذاتاً مفهوم مقدّسی ندارد و تنها صورتی که در پیشوایی به حق بکار رود مفهومی مقدّس پیدا می کند.

در قرآن کریم کلمه «امامت» نیامده، ولی واژه «امام» و نیز «ائمت» هم در مفهوم مقدّس و هم در مفهوم نامقدس آنها مورد استفاده قرار گرفته است.

## امام نوری

یکی از موازیدی که قرآن کلمه امام را در مفهوم مقدّس آن استعمال نموده آیه ۱۲۴ از سوره بقره در باره امامت حضرت ابراهیم علیه السلام است:

«وَادْعُ اِبْرٰهٖمَ رَّبَّهُ بِكَلِمٰتِ قٰنَتٰهٖنَ فَاَلٰتِیْ جَبَلٰتِ لُقٰنِ اٰمٰمًا»

و هنگامی که خداوند ابراهیم را به شکلهای مختلف آرمود و بخوبی از عهده آن آزمایشها برآمد، فرمود من تو را امام و پیشوا برای مردم قرار دادم...

نصونه دیگر آیه ۷۷ از سوره انبیاء، درباره امامت پیشوایان الهی از خاندان حضرت ابراهیم:

«وجعلناهم ائمة یدعون باعمرنا.»

ما آنها را امامانی قرار دادیم که مردم را به فرمان ما هدایت می کردند.

## امام ناز

قرآن کریم فرعون و فرعونیان را نیز امام می داند. اما، امام ناز، رهبران و پیشوایانی که پیروان خود را به آتش دوزخ دعوت می کنند:

«وجعلناهم ائمة یدعون الی النار.»<sup>۱</sup>

ما آنها را امامانی قرار دادیم که به آتش دوزخ مردم را دعوت می کنند.

و نیز عهدشکنان مستکبری که با مسلمانان صدر اسلام درگیر بودند را، قرآن کریم امامان کفر می خواند:

«وان نکثوا ایمانهم من بعد عہدہم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر...»<sup>۲</sup>

اگر پیمانهای خود را پس از عهد شکستند و آئین شما را مورد طعن قرار دهند با امامان کفر بجنگید...

## ائمت نسور

یکی از مواردی که قرآن کلمه ائمت را در مفهوم مقدس آن بکار برده، آیه ۱۲۸ از سوره بقره است:

«واذ برع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل ربتنا نقتل ما ائتک انت التمتع العلیم ربتنا واجعلنا مسلمین لک و من ذلکنا ائمة صلح لک.»

هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بنا می بردند می گفتند پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما آئینی که در برابر فرمان تو تسلیم باشد بوجود آور.

در آیه ۱۴۳ از همین سوره نیز ائمت در مفهوم مقدسش بکار رفته است:

«وکذلک جعلناکم ائمة وسطا لکنوا شهداء علی الناس.»

اینچنین شما را ائمت میانه و معتدل قرار دادیم تا ائمت نمونه ای در برابر مردم باشید...

## ائمت ناز

قرآن کریم صحنه برخورد امامان ضلالت را در قیامت با ائمتای گمراه، این طور ترسیم می کند:

«قال ادخلوا فی اعم قد خلعت من فیکم من الجن والانس فی النار کلکما دخلت ائمة لعنت اختها...»<sup>۳</sup>

خداوند به آنها) می گوید: داخل شوید در صف گروههای مشابه خود از جن و انس در آتش، هر زمان آئینی وارد می شوند، ائمت دیگر را نفرین می کنند تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند (در این هنگام) ائمت های گمراه درباره امامان خود می گویند: خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کفر آنها را از آتش دو برابر کن.

با عنایت به آنچه ذکر شد معلوم می شود تعریفی که کتاب «ائمت و امامت» از واژه «امام»، «ائمت» و «امامت» نموده است جامع و کامل نیست، متن عبارت کتاب این است:

«... ائمت، یک جامعه در حال رفتن و شدن ابدی بسوی تعالی مطلق است، و چون «ائمت» را شناختیم به سادگی می توانیم تعریف دقیق و روشن «امامت» را و نقش اجتماعی آنرا به دست آوریم.

بنابراین: «امامت» رذیعی است که ائمت را در این راه هدایت می کند و راه می برد»<sup>۴</sup>.

ایراد ما این است که این تعریف، تعریف ائمت و امامت نیست، ائمت می تواند در حال رفتن بسوی تعالی مطلق و یا انحطاط مطلق باشد و نیز امامت می تواند ائمت را در راه تکامل و یا انحطاط هدایت کند. آری امامت در مفهوم مقدس هدایت ائمت به سوی کمال مطلق است.

## مراتب امامت

امامت به مفهوم مقدسش که هدایت انسان به کمال مطلق است چون نور مراتبی دارد و به مفهوم نامقدسش نیز که رهبری انسان به انحطاط مطلق است چون ظلمت ذلالتی مراتبی است.

مسئله این است که امامت نور دارای چند مرتبه است و کدام یک از مراتب آن به عنوان یک اصل اعتقادی در این سلسله از مباحث مورد بحث و بررسی است؟

- مجموعاً شش مرتبه برای امامت قابل تصور است، این مراتب عبارتند از:
- ۱- رهبری با گفتار.
  - ۲- رهبری با گفتار و کردار.
  - ۳- رهبری سیاسی.
  - ۴- رهبری سیاسی و دینی.
  - ۵- رهبری معصوم در امور اجتماعی.
  - ۶- ولایت نکوینی در هدایت انسان.

## رهبری با گفتار

رهبری با گفتار محض، یا امامت با قول بدون فعل، پائین ترین مراتب امامت است. کسی که مردم را به خیر و صلاح و کمال دعوت می کند با

زبان ولی خودش اهل عمل نیست، امام است لکن امامتش امامت نور است در گفتار و امامت ناراست در کردار.

امامت به این معنا و رهبری در این مرتبه هر چند دعوت به حق و هدایت به کمال است لکن به دلیل تناقض گفتار و کردار امام. از نظر اسلام به شدت مذموم و محکوم است. ببینید قرآن کریم چگونه این امامت و هدایت را محکوم می کند:

«يا ايها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون كثر مقلتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون»<sup>۶</sup>

هان ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزهایی که خود عمل نمی کنید به مردم می گوئید. خداوند سخت خشمگین است از اینکه شما چیزی را بگوئید که بدان عمل نکنید.

از نظر اسلام، امام قبل از اینکه با گفتار مردم را به نیکی و کمال دعوت کند باید کردار او برای آنان آموزنده باشد، امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره، ولیکن تأدیه بسیرته قبل تأدیه بلسانه، ومعلم نفسه ومؤدبها أحق بالاحلال من معلم الناس ومؤدبهم»<sup>۷</sup>

هر که خود را امام و پیشوای مردم نموده، باید پیش از یاد دادن به دیگران نخست به تعلیم خود به پردازد و باید قبل از اینکه با زبان و گفتار مردم را ادب کند، با سیره و کردار آنها را راهنمایی نماید، که معلم و مؤدب خود از معلم و مؤدب دیگران به تعظیم و تکریم سزاوارتر است.

حافظ در وصف اینگونه امامان و واعظان که خود را فراموش کرده و به موعظه دیگران می پردازند، میگوید:

واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر میکنند  
چون بخلوت می روند آن کار دیگر میکنند  
منکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس  
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند  
گونیا باور نمی دارند روز داوری  
کاین همه قلب و ذغل در کار داوری میکنند  
امیرالمؤمنین علیه السلام اینگونه واعظان را لعنت کرده است:

«لعن الله الأمرین بالمعروف التارکین له والتناهین عن المنکر العاملين به»<sup>۸</sup>

خدا لعنت کند کسانی را که مردم را به نیکی دعوت می کنند ولی خود تارک آن هستند و از زشتی باز می دارند ولی خود بدان عمل می کنند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید که: در شب معراج مرا به دیدار گروهی بردند که لبهاشان با فیجهایی از آتش فیجی می شد. هر چه لبهای آنها را می بردند دوباره می روئید! از جبرئیل پرسیدم که اینها کیانند؟ پاسخ داد: خطیای و سخنرهای اقت تو هستند! آنها که به مردم می گویند آنچه را خود انجام نمی دهند و کتاب خدا را می خوانند و به آن عمل نمی کنند!<sup>۹</sup>

## رهبری با گفتار و کردار

مرتبه دوم امامت، رهبری با گفتار و کردار است، این معنا از رهبری واقع نخستین مرتبه امامت انسان است که اسلام آنرا تأیید نموده و قرآن کریم را بدان دعوت می کند و همه انسانها می توانند به این معنا امام باشند و این مرتبه از امامت دست یابند.

قرآن کریم در پایان سوره فرقان دوازده ویژگی برای انسانهای شایسته عنوان «عباد الرحمن» آورده که یکی از مشخصات آنها این است:

«والذین يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذراتنا فرأهنا عین المؤمنین اماماً»<sup>۱۰</sup>

و آنها کسانی هستند که در مقام بپایش گویند: پروردگارا همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را از اهل تقوا بنما.

در حکمت ۲۸۱ از نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام ویژگی دیگری از برادران دینی خود که به این مرتبه از امامت نائل آمده بود را بیان نموده و در پایان تأکید می کند که برای همه تحصیل این صفات ضروری است، و اگر کسی نمی تواند باید بقدر توان بکوشد و بخشی از این ویژگی را تحصیل کند، متن کلام امام این است:

«کان لی فیما مضی اخ فی الله، وکان بعظمه فی عیسی صبر القیامه فی عینه، وکان خارجاً من سلطان بطنه فلا یبشهی مالا یجوز ولا یکتز اذا وجد، وکان اکثر دهره صامه، فإن قال بئذ الفاسقین و نفع غلیل التالین، وکان ضعیفاً مستضعفاً، فان جاء الحدیث لیسب غاد و صیل واد، لا یدلی بحجة حسی بانی فاضباً، وکان لا یلوم أحداً علی ما یجد العذر فی منته حسی یسمع اعتذاره وکان لا ینکرو جمعاً إلا عند لڑنه، وکان یفعل ما یقول ولا یقول ما یفعل، وکان ان غلب علی الکلام لم یغلب علی السکوت وکان یحذر ان یسمع أحرض منه علی ان ینکتم، وکان اذا جاء امران نظر ایهما أقرب الی الهوی فخالقه. فعلیکم بهذه الخلال فالزموها و تانسوا فیها، فان لم تستطعوها فاعلموا ان أخذ الفکر خیر من ترک الکثیر».

در گذشته برادری در راه خدا داشتم که کوچک بودن دنیا را نظرش او را در دیده من بزرگ می نمود. شکمش بر او چیره بود و لذا اشتها به چیزی که نمی یافت نداشت و وقتی که می خواست زیاد نمی خورد بیشتر روزگارش خاموش بود، ولی اگر کسی سخن باز می کرد بر سخنوران غلبه می نمود و عطش اهل برکت را فرو می نشاند او فردی ضعیف و مستضعف شناخته می شد. لکن وقتی هنگام برخورد جدی پیش می آمد چون شمشیر خشمگین و ماری پرتوهر بود. حجت و برهان خود را در راه

بقیه در صفحه ۳۴

فیاض آن موجود ملکونی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته اند اکنون شاهد آنند که ملت های دیگر حتی ملت های غیر مسلمان، نسخه تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته اند، امروز به برکت نهضت آن یگانه دوران، مسلمانان در همه جا بیدار شده اند و کاخ امپراتوریهای سلطه ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است، ملتها، ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه خون بر شمشیر را تجربه می کنند، و همه در همه جا چشم به ملت مقاوم و ستوه ایران دوخته اند.

بدیهی است که برای آمریکا و دیگر سردمداران استکبار چیزی مهم تر از این نیست که ملت ایران از راه دهساله خود برگردد یا در آن تردید کند، زیرا در این صورت نقطه درخشان امید ملتها کور خواهد شد و غلبه خون بر شمشیر مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه ملت های جهان اعلام می کنیم که تفکر

### بقیه از مبنای رهبری در اسلام

اختلافات تنها نزد قاضی بیان می کرد. کسی را بر کاری که در مانند آن عذری می یافت سرزنش نمی کرد تا عذر او را بشنود. از دردی که به آن مبتلا می شد شکایت نمی کرد مگر پس از بهبودی. به آنچه می گفت عمل می کرد و آنچه خود بدان عمل نمی نمود. برای دیگری نمی گفت. اگر مغلوب کسی در سخن گفتن می شد در سکوت کس نمی توانست بر او غلبه کند. در شنیدن حرفی تر بود تا گفتن. در انتخاب دو کار هر یک که به تمایل نفسانی او نزدیکتر بود را انتخاب نمی کرد. پس بر شما باد به تحصیل و ملازمت این ویژگیها و رقابت در فراگرفتن آنها، و اگر نمی توانید همه این صفات را تحصیل کنید، بدانید که گرفتن اندک بهتر از فروگذاری بسیار است.<sup>۱۲</sup>

در این مرتبه از امامت، همه اهل ایمان از نظر قرآن بر یکدیگر امامت و ولایت دارند. یعنی همه موافقند با گفتار و کردار دیگران را به خوبیها دعوت کنند و از بدیها نهی نمایند:

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعضی بالمرءة بالمعروف وبنهون عن المنکر»<sup>۱۳</sup>

مردان و زنان با ایمان ولایت بر یکدیگر دارند «و بنهون عن المنکر» هر کدام دیگری را امر بمعروف و نهی از منکر می کند. این ولایت، ولایت و فرماندهی سیاسی نیست بلکه حقی است که خداوند متعال برای اصلاح جامعه، به فرد فرد افراد مسلمان داده که می توانند برای زدودن منکر از جامعه و گسترش معروف به یکدیگر فرمان بدهند و نه تنها می توانند از این ولایت و حق الهی استفاده کنند بلکه باید

### بقیه از رمزهای انقلاب

بشایر این همان عواملی که در اصل بوجود آمدن انقلاب اسلامی مؤثر بودند و با دست به دست هم دادن، چنین نهضت عظیمی را پدید آوردند با تمام قدرت و اصالت و سلامت و بدون کوچکترین تغییری در بقاء آن نهضت نیز باید بمانند و انقلاب و نهضت مقدس اسلام را حفظ نمایند؛ روی این حساب، هر چه در اصل بوجود آمدن انقلاب اسلامی دخالت داشته و مؤثر بوده است همانها یعنی در بقاء آن نهضت و انقلاب نیز دخالت

«خانه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در الفاء آن دارد خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علیرغم آمریکا و همکارانش امام خمینی در میان ملت خود و جامعه خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد خواهد داشت.

راه اوراه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست. همه ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه با قوت و قدرت به سمت هدفهای عالی امامشان حرکت کنند بدانند که پیروزی نهائی از آن ماست...  
«کتاب الله لأعلن أنا ورسلی».

دهم خرداد ۱۳۶۹ برابر با ششم ذی القعدة ۱۴۱۰  
علی الحسینی الطالقانی

استفاده نمایند.

در اوج این مرتبه از امامت و ولایت، انسان به مرحله ای از کمالات می رسد که کردارش بیش از گفتارش مردم را به نیکی دعوت می کند و بدی باز می دارد، کمتر می گوید و بیشتر عمل می کند و بدین ترتیب گفته امیرالمؤمنین علیه السلام به زیباترین فضایل انسانی در این بُعد است می یابد:

«زیادة الفعل علی القول أحسن فضیلة ونقص الفعل عن القول أفح رذیلة».  
فرونی کردار بر گفتار زیباترین فضیلت و کاستی کردار گفتار زشت ترین رذیلت است.<sup>۱۴</sup>

۱. المفردات فی غریب القرآن تألیف ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به رافع اصفهانی اعلام اواخر قرن پنجم هجری.
۲. فصوص. آیه ۴۱.
۳. التوبة. آیه ۱۲.
۴. امراف. آیه ۳۸.
۵. امت و امامت تألیف دکتر علی شریعتی مصنفه
۶. مانند اینکه در تعریف رئیس جمهور گفته شود، رئیس جمهور کسی است که مردم سعادت و کمال هدایت نماید.
۷. الصف. آیه ۳۲.
۸. نهج البلاغه فیض. حکمت ۷۰.
۹. وسائل الشیعه. جلد ۱۱ ص ۱۱۰.
۱۰. نگاه کنید به میزان الحکمه جلد ۶ باب ۲۸۹۶ «قوم یقرضون شفاهم بمقارضین من نزلهم».
۱۱. فرقان. آیه ۷۴.
۱۲. نهج البلاغه فیض. حکمت ۲۸۱، این سخن با اندکی تفاوت در بحار جلد ۶۹ ص ۲۸۱ امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است.
۱۳. التوبة. آیه ۱۳.

داشته و مؤثر است. رمز بوجود آمدن انقلاب عیناً رمز بقای انقلاب است. اگر در گذشته حضور مردم نقش مؤثری داشته، الآن نیز همان نقش را دلرد و اگر رهبری تعیین کننده بوده، الآن نیز تعیین کننده است و ایمان و اعتقاد مردم در گذشته، عامل بسیج عمومی و همگانی آنان بوده الآن چنین است و اگر مجموعه آنها در گذشته مؤثر بوده است الآن چنین است.

پاسدار اسلام - سال نهم /